

غزل شماره ۴۵۰

روزگاریست که مارانگران می داری
مخلصان رانه به وضع دگران می داری

کوشه چشم رضایی به منت باز شد
این چنین عزت صاحب نظران می داری

ساعت آن به که پوشی تو چو از بهرگار
دست در خون دل پر نمران می داری

نه گل از دست غمت رست و نه بلبل در باغ
همه را نعره زنان جامه دران می داری

ای که در دلق مملع طلبی نقد حضور
چشم سری عجب از بی خبران می داری

چون تویی ز کس باغ نظر ای چشم و چراغ
سرچرا بر من دل خسته گران می داری

کوهر جام جم از کان جهانی دگر است
تو تمنا ز گل کوزه گران می داری

پدر تجربه ای دل تویی آخر چه روی
طمع مهر و فائزین پسران می داری

کیسه سیم و زرت پاک بید پرداخت
این طمع ها که تو از سیم بران می داری

کرچه رندی و خرابی کنه ماست ولی
عاشقی گفت که تو بنده بر آن می داری

مگذران روز سلامت به ملامت حافظ
چه توقع ز جهان گذران می داری

تفسیر فال

آنقدر بی‌تابی شما به حدی رسیده است که اطرافیان و دوستانتان نسبت به وضعیت شما نگران و ناراحت شده‌اند. در چنین شرایطی، بسیار مهم است که از یاد خداوند غافل نشوید و لحظات دشوار زندگی را با ایمان و امید پشت سر بگذارید. باید بدانید که اتفاقاتی در شرف وقوع هستند که شما از آن‌ها بی‌خبر هستید و می‌توانند تغییرات مثبتی در زندگی‌تان ایجاد کنند. این دلسوزی دیگران نشان‌دهنده‌ی محبت آن‌ها به شماست، بنابراین بهتر است از تجربیات خود بهره‌بردار و درس‌هایی که زندگی به شما آموخته است را مورد استفاده قرار دهید. همچنین، زیاده‌طلبی را کنار گذاشته و سعی کنید روزهای شاد جوانیتان را با افکاری منفی پر نکنید. توقعات خود را کاهش دهید تا بتوانید بیشتر از لحظات ساده اما ارزشمند زندگیتان لذت ببرید. با تمرکز بر روی چیزهایی که دارید، می‌توانید آرامش بیشتری پیدا کنید و احساس رضایت بیشتری نسبت به زندگی خود داشته باشید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)